



میر حسین موسوی: این حق مردم است که ماهیت قطعنامه ها و تحریم های دیگری را که در حال افزوده شدن است، بشناسند. باید آنها بدانند این تحریم ها چه اثری بر سفره آنها و روی نرخ بیکاری و تورم و تولید و پیشرفت کشور و امنیت می گذارد.

کارد به استخوان مردم رسیده

مقاومت مدنی، براندازی نیست

گاه تصویری می شود مقاومت مدنی منفی، عملی براندازانه است. این در حالی است که این نوع کنش جمعی به اصلاح وضعیت موجود با استفاده از ظرفیت های قانونی و مسالمت آمیز سخت پای بند است. نه به این معنا که کنشگران مقاومت مدنی منفی در راه رسیدن به اهداف جنبش اجتماعی خود هیچ هزینه ای نمی پردازند. کنشگران اجتماعی با علم به اینکه ساختار کنونی نظام حاکم در مقابل هر گونه حرکت اصلاحی مقاومت می کند، سعی می کنند با شیوه های مسالمت آمیز، خواسته های خود را تا آنجا پیگیری کنند که به اصلاح فرایندهای تصمیم گیری، اصلاح قانون و یا تغییر حکمرانانی که تن به اصلاح نمی دهند بینجامد. راهپیمایی، تظاهرات، اعتصاب، تحریم، تحصن و ده ها تاکتیک دیگر می تواند در این راستا به کار گرفته شود، بدون اینکه به عملی براندازانه تفسیر و تعبیر شود. اساسا، به رسمیت شناخته شدن حق تجمعات مسالمت آمیز و حق اعتصاب در نظام های مردم سالار را باید در تدبیر تدوین کنندگان قانون اساسی این نظام ها برای باز گذاشتن راه تحول و تغییر از طرق مسالمت جویانه فهمید. در مقابل، نظام های استبدادی راه را بر هر گونه تغییر یا اصلاح از طریق کنش اجتماعی مسالمت آمیز می بندند. این گونه نظام ها، هر حرکت اعتراضی را براندازانه تعبیر می کنند و با برخورد خشونت بار با آن، امکان ابراز نظر را از منتقدان و مخالفان سلب می کنند. در نتیجه، فشارهای اجتماعی تجمع شده در شکل انقلاب هایی بروز و ظهور می کند که هدف آن براندازی کامل نظام کنونی و برپایی نظامی نوین است.

اجازه بدهید برای روشن شدن موضوع، نگاهی گذرا به یک مثال تاریخی بیفکنیم. جنبش حقوق مدنی رنگین پوستان در ایالات متحده آمریکا، یکی از جنبش های مهم مدنی تاریخ معاصر است. در حالی که رنگین پوستان آمریکا دوشادوش مومطان سفیدپوست خود در جنگ و صلح کوشیده بودند، در نظام حقوقی و سیاسی مسلط، هیچ مفری برای احقاق حقوق خود نمی یافتند. جداسازی نژادی، تبعیض در میزان درآمد و شرایط کار، و موانع فراوانی که در سر راه آنها برای استفاده از حق تعیین سرنوشت و مشارکت مؤثر در فرایندهای تصمیم گیری سیاسی وجود داشت، آنها را عملا به صورت شهروندی درجه دو درآورده بود. حرکت اجتماعی که برای مقابله با چنین وضعیتی شکل گرفت، عمدتا مسالمت آمیز بود. این جنبش مدنی به تغییرات اساسی مانند تغییر قانون انجاسیم، اما در عین حال براندازانه، به این معنا که بخواند نظام سیاسی حاکم بر ایالات متحده را ساقط و نظامی نو برپا سازد، نبود. مشارکت کنندگان در جنبش در طی نزدیک به ده سالی که تا دستیابی به پیروزی طول کشید از همه شیوه های مبارزه منفی برای رسیدن به اهدافشان استفاده کردند. راهپیمایی، تحصن، تحریم خرید کالا از فروشگاه هایی که بر تبعیض نژادی اصرار می ورزیدند و شیوه های دیگر که ضرورت دارد توسط کنشگران جنبش سبز مطالعه و بررسی شود. در این جنبش نیز، مانند همه جنبش های اجتماعی مدنی طیف متنوعی از کنشگران حضور داشتند که گاه مواضع شان با خط مشی رهبری اصلی آن در تضاد بود. صبر و درایت رهبران جنبش، همبستگی و استقامت مشارکت کنندگان و همراهان جنبش، و صلابت آمادگی حکومت در نشان دادن اعتداف و پذیرش تغییرات معقول، باعث شد جامعه آمریکا، بدون آن که دچار زلزل یا تصلب شود، راه خود را به سوی آینده ای که رنگین پوستان در اداره ای آن سهیم شوند، بیابد و دست به «خودترمیمی» بزند. اصلاحیه ها و متمم های متعددی که بر قانون اساسی آن کشور اضافه شده، نشانه چنین ظرفیت «خودترمیمی» است.

تجربه های تاریخی نشان می دهد نباید هر گونه مقاومت مدنی منفی را با براندازی یکسان شمرد. حوادث پس از کودتای انتخاباتی سال ۸۸ نشان داد بخش مهمی از حاکمیت از فهم این واقعیت ناتوان بوده است. ریشه این کج فهمی را باید بیش از هر چیز در خطای استراتژیکی دانست که رهبری نظام دچار شد که طی دو دهه اخیر، عرصه ی سیاست را به تدریج از سیاستمداران تهی و به دست نظامیان سپرده است. صلابت ذهن و طبیعت نظامیان با شناخت و پاسداشت منافع بلند مدت سیاسی کشور، بیگانه است. از سوی دیگر، اصلاح طلبانی که امروز در قالب تجدیدنظرطلبی به میدان آمده نیز در فهم ماهیت و طبیعت مبارزات سیاسی در قالب مقاومت مدنی منفی کوتاهی کرده اند. از همین روست به جای تلاش برای فهم مسئله، در صدد تغییر صورت آن و بازسازی فضای پیش از انتخابات ۸۸ بر گمانند. این گمان که حال که جنبش سبز امکان حضور خیابانی ندارد، تنها راه باقی مانده، عبارت از حضور در صحنه انتخابات خواهد بود، این گروه از اصلاح طلبان را به این سمت و سو هدایت کرده است.

وضعیت امروز ایران به فاجعه شبیه است. در همه عرصه ها، رد پررنگ بی تدبیری و سوء مدیریت حاکمیت آشکار است و برخلاف آنچه گمان می رود مسبب وضعیت اسفبار کنونی، تحریم های همه جانبه غرب است، می توان به جرات ادعا کرد این تحریم ها صرفا اثرات بی خردی مستبدان کنونی را عیان کرده است.

در سالی که سال حمایت از تولید ملی نام گرفت، راهبرد اصلی نظام باید توجه به تولید داخلی باشد، تا اثرات تحریم های خارجی به کم ترین میزان برسد. امروز، علاوه بر آنکه نظام مشروعیت لازم برای اجرای چنین طرحی را ندارد، ابزارهایی که غرب در اختیار دارد هم کارآمدتر شده اند. در مقابل مطابق نظرسنجی شبکه خبر بیش از ۶۰ درصد مردم موافق کوتاه آمدن لاقط تاکتیکی در مناقشه هسته ای هستند. نظام هم متقابلا به فکر ترمیم وجهه خود افتاده که امیدوار است در سال منتهی به انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ به ثمر بنشیند. خطوط

اصلی این عملیات بازکردن ظاهری فضا، بدون آزاد کردن زندانیان تأثیرگذار سیاسی و حتی برداشتن حصر راهبران جنبش سبز و تلاش برای برگزاری انتخابات پرشور با اجازه دادن به کاندیداتوری اصلاح طلبان خواهد بود. از سویی، غرب با وجود تمام ضرباتی که به ایران وارد کرده، خود متحمل کمترین هزینه ای نشده است. عمده راههای ایران برای دورزدن تحریم ها توسط غرب مسدود شده و مهم تر از آن، دو سلاح عمده ایران در این نبرد خاموش از دسترس ایران خارج شده اند: نفت ایران در حال خروج از بازار جهان است و تنگه هرمز هم به یک مهره سوخته بدل شده است.

نتیجه تقابلی که جمهوری اسلامی از همان آغاز با تمام دنیا آغاز کرد، اکنون عیان شده است. وقتی توهم در سیاست جای واقعیت را می گیرد، وقتی طوری رفتار می کنیم انگار دروغ های رسانه «ملی» ما را هم دریافته که در واکنش به گرانی مرغ از دستهای پشت پرده و اصطلاحات نخ نما سخن

گفته و بدون برنامه مشخصی، بکوشیم بازار نابسامان سکه و ارز را با یگان ویژه کنترل کنیم و به لیبیات دستور دهم به فرمان ما ازان شوند. اوضاع بگونه ای است که هر لحظه امکان انفجار خشم مردم وجود دارد. در این شرایط که هر روز یک بازار به هم می ریزد، انتظار هر اتفاقی را باید داشت؛ بویژه که در ماه رمضان هم معمولا مواد غذایی گران تر می شوند و معلوم نیست امسال در این ماه چه اتفاقی بیافتد.

ما در این مدت نتوانستیم مردم سالاری را به نان شب ترجمه کنیم که مردم به آن احساس نیاز کنند. شرایط به گونه ای است که خود نان شب هم به جمع کثیری از مردم نمی رسد. این، شرایطی است که بعید نیست در آن کارد به استخوان ها برسد و حرکتی آغاز شود. بهترین حالت چیزی شبیه به یک انقلاب باشد. چنین حرکتی، اوضاع را چنان در هم خواهد کرد که تا مدتها نخواهیم توانست از زیر فشار آن کمر راست کنیم. اما جلوی ضرر را از

هرجا بگیریم منفعت است، پیشنهاد های این نوشتار به تصمیم گیرنده اصلی آیت الله خامنه ای است:

یک. حمایت های بی دریغ تان را از دولت که از نماز جمعه ۲۹ خرداد، و موضع گیری بی سابقه تان در حمایت از رییس آن، رنگ تازه گرفت، متوقف کنید. دو. آزادیهای مصرح قانون اساسی برای ملت را تضمین کنید. ملت «حق دارد» نمایندگانی را که خود شایسته می داند و از فرایند رقابت عادلانه برخوردار است، به مناصب دولتی بگمارد، «حق دارد» آزادانه تجمع برگزار کند، «حق دارد» رسانه های آزاد را در اختیار داشته باشد.

سه. زندانیان سیاسی بازداشت شده پس از انتخابات مناقشه برانگیز ۸۸ را آزاد و حقوق اذ دست رفته شان را احیا کنید. همانگونه که موسوی — که او و مهدی کروبی، در صدر فهرست کسانی اند که باید آزاد شوند — در بیانیه ۱۷ خود گفت: «این اقدام، نه به ضعف، که به درایت نظام تعبیر خواهد شد».

«هیئات منا الذله» نیشابوری ها در اعتراض به گرانی

تعداد زیادی از شهروندان نیشابوری در اعتراض به گرانی تجمع کرده و شعارهایی علیه دولت سر دادند. این تجمع با واکنش دادستان نیشابور مواجه شد که مردم را متهم کرد «برای دو عدد مرغ در خیابان راه رفته اند». این تجمع مقابل یک مرغ فروشی برگزار شد و با شعار هیئات منا الذله همراه بود که با افزایش جمعیت معترضان، نیروهای امنیتی امکان دخالت نیافتند.

نرگس محمدی: برای پنج روز نایبنا شدم

نرگس محمدی، فعال حقوق بشر زندانی که به بیمارستان منتقل شده بود، در تماس با خانواده اعلام کرد: ۵ روز توانایی بیبانی خود را از دست داده و مجددا به زندان زنجان منتقل شده است. او در دوران بستری دو بار به فلج عضلانی مبتلا می شود که زمان تشنج ۶ ساعت طول کشیده است. خانم محمدی مجبور بوده روزانه ۱۰ تا ۱۵ قرص بخورد.

راه اندازی رشته زندانبانی در دانشگاه

در حالیکه براساس فقه اسلامی، زندان جایگاهی در مجازات شرعی ندارد، معاون سازمان زندانها از رشته جدید دانشگاهی «زندانبانی» خبر می دهد. جمهوری اسلامی با وعده تبدیل زندانها به دانشگاه به روی کار آمد که اینک زندانها جوابگوی کثرت زندانیان نیست. برخی زندانها بیش از ۵ برابر ظرفیت زندانی دارند. همچنین نامه های زندانیان سیاسی حاکی از وضعیت تاسف آور و نامناسب زندانهای کشور دارد.



زندانیان سیاسی

- *ستاره اشرف علیخانی زندانی معترض به انتقال هم بندیهایی خود به زندان قرچک و ورامین به اعتصابش پایان داد.
- *عادل محمد حسینی از دانشجویان اصلاح طلب برای گذراندن دوران محکومیت خود راهی اوین شد.
- *محمد صدیق کبودوند رییس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان پس از ۸۵ روز به اعتصاب غذایش پایان داد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.